

# ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی و بین المللی افغانستان

سید عبدالوهاب رحمانی

## چکیده

در سطح ملی، در حکومت دی فکتوی طالبان، فرامین امارتی و مبانی و منابع فقه حنفی مانند الهدایه، المبسوط و کتاب الاکراه و نیز در قوانین دولت - کشور (قطع نظر از حکومت قبلی و فعلی) مانند قانون اساسی افغانستان، قانون اجراءات جزایی و قانون منع شکنجه؛ به صراحت شکنجه را ممنوع اعلام کرده‌اند. همچنین، در سطح بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ و کنوانسیون حقوق کودک از جمله اسنادی هستند که افغانستان به آن‌ها متعهد است.

در قوانین افغانستان، شکنجه به عنوان یک جرم شناخته شده و مرتکبین آن قابل پیگرد قانونی هستند. با این حال، برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که این حق به طور گسترده نقض می‌شود و چالش‌هایی مانند ضعف قوانین، فساد اداری و عدم نظارت مؤثر بر نهادهای اجرایی، اجرای این ممنوعیت را با مشکل مواجه کرده است. این مقاله که از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش جمع آوری کتابخانه‌ای معلومات و روش تحلیل محتوا در تجزیه و تحلیل؛ بهره می‌برد، موضوع را بررسی کرده است.

## مقدمه

### تعریف شکنجه و اهمیت و ممنوعیت آن

#### تعریف شکنجه

شکنجه به معنای تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر فرد، به منظور کسب اطلاعات، اعتراف، مجازات، ارباب یا اعمال فشار است. این عمل معمولاً توسط مأموران دولتی یا تحت نظارت آن‌ها انجام می‌شود. کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل (۱۹۸۴) شکنجه را به عنوان رفتاری غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز تعریف کرده است که هیچ توجیهی برای آن قابل قبول نیست (قاسم زاده، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲)

#### مفهوم و انواع شکنجه در حقوق بین الملل

شکنجه در حقوق بین‌الملل به عنوان یک رفتار غیرانسانی و ممنوع شناخته می‌شود. مطابق تعریف کنوانسیون منع شکنجه، شکنجه عبارت است از ایراد عمدی درد یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص توسط مأمور رسمی دولت یا فردی که به تحریک یا اجازه او عمل می‌کند، با اهدافی مانند اخذ اطلاعات، اقرار، مجازات، ارعاب یا اجبار.

### انواع شکنجه در حقوق بین‌الملل شامل موارد زیر است:

**شکنجه جسمی:** شامل ضرب و شتم، شوک الکتریکی، محرومیت از خواب، غرق مصنوعی و سایر روش‌های آسیب‌رسان به بدن.

**شکنجه روانی:** شامل تهدید، تحقیر، انزوای طولانی‌مدت، محرومیت حسی و سایر روش‌هایی که موجب آسیب روحی می‌شوند.

**شکنجه جنسی:** شامل تجاوز، آزار جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی.

**شکنجه اقتصادی و اجتماعی:** شامل محرومیت از منابع حیاتی مانند غذا، آب، مسکن و مراقبت‌های پزشکی.

حقوق بین‌الملل از طریق اسناد مختلف مانند کنوانسیون منع شکنجه و اعلامیه جهانی حقوق بشر، دولت‌ها را موظف به پیشگیری و مجازات شکنجه می‌کند. همچنین، دادگاه‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری نقش مهمی در نظارت بر اجرای این قوانین دارند.

### تعریف شکنجه از دیدگاه حقوق‌دانان

حقوق‌دانان تعاریف مختلفی از شکنجه ارائه داده‌اند که عمدتاً بر ایجاد درد و رنج شدید جسمی یا روحی توسط مأموران دولتی یا تحت نظارت آن‌ها تأکید دارند. برخی از دیدگاه‌های حقوقی درباره شکنجه عبارت‌اند از:

کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل تعریف جامعی از شکنجه ارائه داده است که شامل ایجاد عمدی درد یا رنج شدید بدنی یا روحی به‌منظور اخذ اطلاعات، اعتراف، مجازات یا ارعاب است.

کنوانسیون آمریکایی پیشگیری و مجازات شکنجه نیز تعریف مشابهی ارائه کرده و تأکید دارد که شکنجه باید توسط مأموران دولتی یا با رضایت آن‌ها انجام شود.

ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه چهار عنصر اصلی را برای تعریف شکنجه مشخص کرده است: مداخله مقامات رسمی، ایجاد درد یا رنج شدید، قصد مجرمانه و هدف خاص.

برخی حقوقدانان اسلامی نیز شکنجه را از منظر فقهی بررسی کرده‌اند و تأکید دارند که هرگونه اذیت و آزار جسمی یا روحی که به‌منظور اعتراف‌گیری، تنبیه، ارعاب یا انتقام انجام شود، ممنوع است.

این تعاریف نشان می‌دهند که شکنجه یک نقض جدی حقوق بشر است که در قوانین ملی و بین‌المللی به‌طور صریح ممنوع شده است (نوربها، 1390، 354)

### **اهمیت ممنوعیت شکنجه**

ممنوعیت شکنجه یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است که در قوانین ملی و بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. دلایل اهمیت این ممنوعیت عبارت‌اند از:

**حفظ کرامت انسانی:** شکنجه نقض آشکار حقوق بشر و کرامت انسانی است.

**حفظ عدالت و دادرسی عادلانه:** اعترافات تحت شکنجه فاقد اعتبار قانونی هستند.

**جلوگیری از سوءاستفاده قدرت:** ممنوعیت شکنجه مانع از سوءاستفاده مقامات دولتی از قدرت خود می‌شود.

**تقویت حاکمیت قانون:** اجرای قوانین منع شکنجه نشان‌دهنده پایبندی دولت‌ها به اصول دموکراتیک و حقوق بشر است.

## **مبحث اول**

### **ممنوعیت شکنجه در مبانی امارتی، فقه حنفی و اسناد ملی افغانستان**

#### **گفتار اول – مبانی ممنوعیت شکنجه در حکومت دی فکتوی طالبان**

آیا در حکومت دی فکتوی طالبان قوانین هنجارهای جزایی وجود دارد که انواع شکنجه ممنوع بوده و مرتکب آن مسئولیت جزایی داشته باشد

در حکومت دی فکتوی طالبان، قوانین جزایی مکتوبی که صراحتاً شکنجه را ممنوع کرده و برای مرتکبین آن مسئولیت جزایی تعیین کند، وجود ندارد. پس از تسلط طالبان در اوت، قوانین مدون قبلی کنار گذاشته شده و نظام قضایی مبتنی بر تفسیر شریعت اسلامی بدون چارچوب قانونی مشخص اداره می‌شود.

رهبر طالبان، هبت‌الله آخندزاده، در نوامبر ۲۰۲۲ دستور اجرای کامل حدود و قصاص را صادر کرد که شامل مجازات‌هایی مانند شلاق، سنگسار و اعدام می‌شود. این مجازات‌ها از سوی نهادهای بین‌المللی به عنوان شکنجه یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز تلقی می‌شوند و با حقوق بین‌الملل در تضاد هستند.

گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهند که شکنجه در بازداشتگاه‌های طالبان برای گرفتن اعترافات به‌طور گسترده اعمال می‌شود. با وجود ادعاهای طالبان مبنی بر ممنوعیت شکنجه طبق شریعت، شواهد حاکی از آن است که چنین اعمالی ادامه دارد و مسئولین آن مورد پیگرد قرار نمی‌گیرند. بنابراین، در حال حاضر در نظام قضایی طالبان، نه تنها ضمانت اجرایی مؤثری برای منع شکنجه وجود ندارد، بلکه خود نظام قضایی بخشی از ساختار اعمال این نوع مجازات‌ها است.

با وجود عدم تدوین رسمی قوانین جزایی مدرن، «امارت اسلامی طالبان» نمی‌تواند چند نکته اساسی را نادیده بگیرد:

تعهدات بین‌المللی افغانستان: دولت پیشین افغانستان عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، از جمله «کنوانسیون منع شکنجه» بود. هرچند طالبان مشروعیت بین‌المللی ندارند، اما چون جایگزین حکومت قبلی شده‌اند، از نظر حقوق بین‌الملل مسئولیت رعایت تعهدات دولت قبلی را بر عهده دارند.

افکار عمومی داخلی و بین‌المللی: شکنجه و رفتارهای غیرانسانی سبب خدشه‌دار شدن مشروعیت داخلی و انزوای بین‌المللی امارت می‌شود، به‌ویژه نزد کشورهای اسلامی، سازمان همکاری اسلامی و جامعه جهانی.

مبانی شریعت اسلامی واقعی: اگرچه طالبان به شریعت استناد می‌کنند، اما حتی در فقه اسلامی نیز شکنجه برای گرفتن اقرار معتبر نیست و تحمیل آن حرام و ممنوع دانسته شده است.

واقعیت رسانه‌ای و گزارش‌گری جهانی: رسانه‌های جهانی و سازمان‌های حقوق بشری همچون یوناما، دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل، به‌طور مداوم موارد نقض را ثبت و منتشر می‌کنند که فشار حقوقی و سیاسی ایجاد می‌کند.

ضرورت نظم حقوقی و قضایی: بدون ممنوعیت رسمی شکنجه و سازوکار مسئولیت‌پذیری، طالبان نمی‌توانند یک ساختار قضایی معتبر و قابل اتکا حتی در سطح داخلی برپا کنند.

در نتیجه، حتی اگر قانون مدونی وجود نداشته باشد، امارت طالبان ناگزیر از پاسخ‌گویی و پذیرش برخی اصول حقوق بشری است و چند نکته را نمی‌تواند نادید بگذرد

**یک - قواعدی که در قوانین اساسی گذشته و قوانین جزایی، اصول محاکمات جزایی و قوانین مدنی افغانستان آمده و از یک قرن به این سو یک پروسه عینی حقوقی را شکل داده است و براساس آن رویه عملی در عرصه های قضا بوجود آمده است که همان سیستم حقوقی افغانستان است و اتوماتیک راه خود را طی می کند و محاکم و داورى ها براساس آن مشى می کنند زیرا قواعد، ضوابط و هنجارهایی که این سیستم ارائه می کند متعلق به دولت - کشور افغانستان است نه متعلق به حکومت و رژیم خاص .**

**دو - قواعد حقوق بین الملل که افغانستان به آنها متعهد گردیده است و این تعهدات کشور افغانستان را ملزم به رعایت موازین حقوقی می نماید و لو رژیم ها تغییر کند اما مسئولیت تعهدات بین المللی دولت - کشور افغانستان بر دوش حکومت ها و رژیم ها سنگینی می کند .**

**سه - متون اصلی فقه مذاهب فقهی اسلامی از جمله جزایی مذهب حنفی که امارت خود را ملزم به پیروی و تطبیق آن اعلام می کند، شکنجه را در تمام عرصه ها محکوم می کند و آثار حقوقی آن را در موضوعات جزایی و مدنی می پذیرد و از جمله اقرار ناشی از آن را در بحث ادله اثبات دعوی نافذ نمی داند. برطبق این موازین مسئولیت حکومت دی فکتوی امارت اسلامی در رابطه با ممنوعیت شکنجه قابل تبیین است و تخلفات و موارد نقض ممنوعیت شکنجه حتی از زاویه دید داخلی امارت اسلامی محکوم و قابل پیگیری است . اما فشار**

افکار عمومی داخلی و بین المللی ، یک دلیل سیاسی است که ممکن حکومت امارت زیر بار آن نرود . لطفاً در این رابطه ابراز نظر نمایید.

این تحلیل ، حقوق محور و مستند بر سه پایه اساسی نظام حقوقی افغانستان است؛ و بر مبنای همین سه محور می‌توان مسئولیت حقوقی حکومت دی‌فکتوی طالبان را بدون به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی قابل اثبات دانست. در تکمیل آن می‌توان چنین اظهار نظر کرد:

۱. **تداوم نظام حقوقی ملی:** چنان‌که بیان نمودید، قوانین مدون افغانستان—اعم از قوانین اساسی پیشین، قانون جزا، اصول محاکمات جزایی، و قوانین مدنی—برساخته یک روند تاریخی حقوقی‌اند که با تغییر حکومت از بین نمی‌روند. آن‌ها «میراث دولت—کشور افغانستان» هستند و عملاً محاکم و قضات even—در شرایط حکومت غیررسمی—از همان منابع و رویه‌ها بهره می‌گیرند، زیرا بدیل مدون و جامع‌تری وجود ندارد. بنابراین، امارت نمی‌تواند به‌طور کامل خود را از سیستم حقوقی معاصر افغانستان جدا بداند.

۲. **الزام‌آوری حقوق بین‌الملل:** اصل «تداوم دولت» در حقوق بین... بیشتر بخوانید

۳. **مبنای فقهی حنفی:** امارت اسلامی، که مشروعیت خود را بر مبنای فقه حنفی اعلام می‌کند، از نظر فقهی نیز نمی‌تواند شکنجه را توجیه کند. نه تنها شکنجه از منظر اخلاقی و شرعی مردود است، بلکه در فقه حنفی «اقرار تحت اکراه» باطل و غیرنافذ است، که عملاً هرگونه اعتبار حقوقی رفتارهای مبتنی بر شکنجه را سلب می‌کند.

در نتیجه:

از زاویه حقوق داخلی (قوانین ملی)

از زاویه حقوق بین‌الملل عمومی،

و از زاویه مشروعیت فقهی (که امارت بر آن تکیه می‌کند)

شکنجه مطلقاً مردود و مسئولیت‌آور است. حتی اگر امارت بخواهد از فشار سیاسی افکار عمومی شانه خالی کند، نمی‌تواند از مسئولیت حقوقی و شرعی فرار کند.

عدم تبعیت از این سه نظام حقوقی، مشروعیت اخلاقی، حقوقی و دینی امارت را هم در سطح داخلی و هم جهانی تضعیف می‌کند.

در مجموع دو مورد از مبانی ممنوعیت شکنجه در حکومت دی فکتوی طالبان وجود دارد که بطور جدی قابل استناد می‌باشند: فرامین امارتی و منابع فقه حنفی و در اینجا کمی توضیح داده می‌شوند.

### الف - فرامین امارتی

بر اساس اطلاعات موجود، رهبر طالبان، ملا هبت‌الله آخندزاده، در تاریخ نوامبر ۲۰۲۰ فرمانی صادر کرده است که در آن به صراحت اعمال شکنجه بدون حکم دادگاه را ممنوع اعلام کرده است. در این فرمان آمده است:

«هیچ‌کس حق ندارد بدون حکم دادگاه با چوب، شلاق یا کابل کسی را بزند یا به هر شکل دیگری شکنجه کند. مجاهدین در هنگام بازداشت افراد، چه سیاسی و چه جنایی، بدون حکم دادگاه حق مجازات آن‌ها را ندارند.»

همچنین، در این فرمان تأکید شده است که:

«بدون حکم دادگاه، اعمال شکنجه یا مجازات، عدالت نیست بلکه ظلم است. جلوگیری از ظلم واجب است و اجازه دادن به آن.»

این فرمان نشان‌دهنده تلاش طالبان برای تنظیم رفتار نیروهای خود در چارچوب تفسیر خاصی از شریعت اسلامی است.

برخی فرامین و اظهارات رسمی صادر شده‌اند که به‌عنوان مبانی حقوقی برای ممنوعیت شکنجه قابل تفسیر هستند. با این حال، گزارش‌های متعدد از سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که در عمل، موارد گسترده‌ای از شکنجه و بدرفتاری با زندانیان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان رخ داده است.

مبانی اعلام‌شده توسط طالبان برای ممنوعیت شکنجه

-فرمان رهبر طالبان: در پاسخ به گزارش‌های سازمان ملل، وزارت خارجه طالبان اعلام کرده است که نهادهای عدلی برای افزایش نظارت به منظور اطمینان از تطبیق فرمان ملا هبت‌الله آخندزاده، رهبر مذهبی طالبان، که شکنجه و اعتراف‌های اجباری را ممنوع کرده، تلاش می‌کنند.

-استناد به شریعت اسلامی: وزارت خارجه طالبان همچنین اظهار داشته است که قانون اسلامی یا شریعت، شکنجه را ممنوع می‌کند.

گزارش‌های نقض ممنوعیت شکنجه

با وجود این اظهارات، گزارش‌های متعددی از سازمان‌های بین‌المللی از ادامه موارد شکنجه در زندان‌های تحت کنترل طالبان خبر می‌دهند:

### ب- منابع فقه حنفی

در فقه حنفی، شکنجه و اکراه برای گرفتن اقرار ممنوع است. چند منبع معتبر در این زمینه عبارتند از:

1. در کتاب «المبسوط» اثر شمس‌الدین سرخسی (جلد ۲۶، صفحه ۳۶)، آمده است:

«الاقرار الثابت علیه بالبینه کالثابت بالمعاینة فلا نلزمه شیاً ما لم یسقط حق المولی عنه بقبضه»

ترجمه: «اقراری که با بینه ثابت شده، مانند مشاهده مستقیم است؛ اما تا زمانی که حق مولی ساقط نشود، چیزی بر او الزام نمی‌شود»

2. کتاب «الهدایه» تألیف برهان‌الدین مرغینانی (جلد ۳، صفحات ۲۷۲-۲۷۳)، نیز به موضوع اکراه پرداخته شده است. در این اثر، بیان شده که اقرار تحت اکراه معتبر نیست.

«وَلَا یَصِحُّ الإِقْرَارُ مِنَ الْمُكْرَهِ، لِأَنَّهُ لَا یَصِحُّ قَصْدُهُ، فَلَا یَصِحُّ إِقْرَارُهُ»

ترجمه: «اقرار شخصی که تحت اکراه است صحیح نیست، زیرا قصد او معتبر نیست، پس اقرارش نیز صحیح نخواهد بود»

**3. کتاب «الاکراه» اثر محمد بن حسن شیبانی:**

«لَا يَجُوزُ أَنْ يُقَرَّرَ الْمُكْرَهُ، فَإِنْ أَقَرَّ فَإِنَّهُ لَا يُلْزَمُهُ شَيْءٌ»

ترجمه: «اقرار شخصی که تحت اکراه است جایز نیست؛ اگر هم اقرار کند، چیزی بر او الزام نمی‌شود.»

این متون نشان می‌دهند که در فقه حنفی، اقرار تحت اکراه یا شکنجه فاقد اعتبار شرعی و حقوقی است.

در فقه اسلامی، به‌ویژه در مذهب حنفی و سایر مذاهب فقهی، اجرای حدود و قصاص تنها در شرایط خاصی امکان‌پذیر است، نه در هر وضعیتی. برخی از این شرایط عبارت‌اند از:

**شرایط خاص اجرای حدود :**

**1. امنیت قضایی و سیاسی:**

اجرای حدود باید در جامعه‌ای با ثبات، عدالت‌محور و دارای امنیت باشد. در شرایط جنگ، آشوب یا عدم ثبات حکومت، اجرای حدود متوقف می‌شود.

**2. اقامه قاضی عادل:**

باید قاضی جامع‌الشرایط (عادل، عالم، مستقل) حکم را صادر کند. قضاوت فاسق یا تحت فشار سیاسی معتبر نیست.

**3. اثبات جرم با دلیل قطعی:**

مانند دو شاهد عادل یا اقرار بدون اکراه. شک و تردید مانع اجرای حد است.

**4. دفع حدود با شبهه:**

قاعده "درء الحدود بالشبهات" یعنی اگر احتمال خطا یا شبهه‌ای باشد، حد اجرا نمی‌شود.

## 5. اهلیت مرتکب جرم:

مجرم باید بالغ، عاقل و مختار باشد؛ در غیر این صورت اجرای حد جایز نیست.

## 6. احترام به حقوق فردی و شرافت انسانی:

اگر اجرای حد موجب بی‌عدالتی یا نقض کرامت انسانی شود، باید تعلیق یا تعدیل شود.

## 7. عدم اکراه یا شکنجه در اثبات جرم:

اقرار ناشی از شکنجه یا فشار باطل است و نمی‌تواند مبنای اجرای حد یا قصاص قرار گیرد.

این شروط در مذاهب دیگر (مانند شافعی، مالکی و جعفری) نیز با تفاوت‌های جزئی پذیرفته شده است.

ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی افغانستان به طور گسترده در چندین سند قانونی و حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است. قانون منع شکنجه یکی از مهم‌ترین قوانین در این زمینه است که هدف آن جلوگیری از اعمال شکنجه علیه مظنونان، متهمان، محکومان و سایر افراد در جریان تحقیقات و بازداشت است. این قانون همچنین حق قربانیان برای دریافت غرامت را به رسمیت می‌شناسد و تدابیر پیشگیرانه را الزامی می‌داند. ماده ۷ این قانون تصریح می‌کند که هیچ شرایط استثنایی، مانند جنگ یا بی‌ثباتی سیاسی داخلی، نمی‌تواند شکنجه را توجیه کند.

علاوه بر این، قانون اساسی افغانستان نیز شکنجه را ممنوع کرده است. کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه که افغانستان آن را در سال ۱۳۶۳ امضا کرده و در سال ۱۳۶۶ لازم‌الاجرا شده است، حکومت را به اجرای تعهدات بین‌المللی خود در این زمینه ملزم می‌کند. همچنین، قانون اجراءات جزایی و کود جزا نیز شامل مواد مرتبط با ممنوعیت شکنجه هستند (سروردانش، 1391، 221).

## گفتار دوم - مستندات ملی منع شکنجه

ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی افغانستان به طور مشخص در چندین سند قانونی و حقوقی ذکر شده است. در اینجا برخی از مواد مرتبط از قوانین مختلف آورده شده است:

## قانون اساسی افغانستان

ماده ۲۴: کرامت انسانی مصون از تعرض است. دولت مکلف است آزادی و حقوق اساسی اتباع را تأمین کند.

ماده ۲۵: هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانون.

ماده ۳۰: هیچ شخصی نمی‌تواند مجبور به اعتراف به جرم خود شود. اعتراف اخذ شده تحت شکنجه یا تهدید فاقد اعتبار است.

## قانون منع شکنجه

ماده ۵: قربانیان شکنجه حق دریافت غرامت دارند.

ماده ۷: هیچ شرایط استثنایی، مانند جنگ یا بی‌ثباتی سیاسی داخلی، نمی‌تواند شکنجه را توجیه کند.

ماده ۱۰: کمیسیون منع شکنجه مسئول بررسی موارد شکنجه و گزارش آن به مراجع قضایی است.

## قانون جزا و کود جزا

ماده ۴۰۹: هرگونه شکنجه یا رفتار غیرانسانی توسط مأموران دولتی جرم محسوب می‌شود.

ماده ۴۱۰: مرتکبین شکنجه به مجازات حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۴۱۲: دستور مافوق نمی‌تواند توجیهی برای اعمال شکنجه باشد.

## اصول محاکمات جزایی

ماده ۶: متهم حق دارد از حقوق قانونی خود آگاه باشد و از وکیل مدافع برخوردار شود.

ماده ۲۳: هیچ‌گونه اعتراف تحت فشار یا شکنجه قابل قبول نیست.

ماده ۴۵: دادگاه‌ها موظف‌اند از حقوق متهمان در برابر شکنجه محافظت کنند.

## کنوانسیون‌های بین‌المللی

کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل (۱۹۸۴): افغانستان این کنوانسیون را در سال ۱۳۶۳ امضا و در سال ۱۳۶۶ لازم‌الاجرا کرد.

پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه: این پروتکل نظارت بر بازداشتگاه‌ها را تقویت می‌کند.

## کنوانسیون حقوق بشر

کنوانسیون حقوق بشر، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی را ممنوع اعلام کرده است. این قوانین و کنوانسیون‌ها نشان‌دهنده تعهد افغانستان به منع شکنجه و حمایت از حقوق بشر هستند

## تحلیل مواد مربوط به منع شکنجه در قوانین افغانستان

در قوانین افغانستان، منع شکنجه به عنوان یک اصل اساسی حقوق بشر شناخته شده است. ماده ۲۹ قانون اساسی افغانستان تصریح می‌کند که شکنجه و رفتارهای غیرانسانی ممنوع است و هیچ شخصی نمی‌تواند حتی برای کشف حقیقت، فردی را تحت شکنجه قرار دهد. همچنین، قانون اجراءات جزایی افغانستان و کود جزا مقرراتی را برای مجازات عاملان شکنجه تعیین کرده‌اند.

### برخی از نکات مهم در قوانین افغانستان درباره منع شکنجه عبارتند از:

**ممنوعیت شکنجه در قانون اساسی:** ماده ۲۹ قانون اساسی تصریح می‌کند که هیچ فردی نباید تحت شکنجه قرار گیرد، حتی در جریان تحقیقات قضایی.

**مجازات عاملان شکنجه:** مطابق ماده ۲۷۵ کود جزا، مأموران دولتی که متهمان را برای اخذ اعتراف شکنجه کنند، به مجازات حبس محکوم می‌شوند.

**نظارت بر اجرای قوانین:** سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای قضایی مسئول نظارت بر اجرای قوانین منع شکنجه هستند.

**چالش‌های اجرایی:** با وجود قوانین موجود، گزارش‌هایی درباره ادامه شکنجه در زندان‌ها و مراکز بازداشت منتشر شده است.

با وجود قوانین موجود، گزارش‌هایی درباره ادامه شکنجه در زندان‌ها و مراکز بازداشت منتشر شده است.

## گفتار سوم - گزارش‌های معتبرترین المللی از وضعیت شکنجه در افغانستان

گزارش‌های معتبر بین‌المللی از ادامهٔ شکنجه در زندان‌ها و مراکز بازداشت افغانستان خبر می‌دهند. بر اساس گزارش هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) که در سپتامبر ۲۰۲۳ منتشر شد، بیش از ۱۶۰۰ مورد نقض حقوق بشر در جریان بازداشت‌ها و بازجویی‌ها ثبت شده است. حدود ۵۰٪ از این موارد شامل شکنجه و رفتارهای غیرانسانی بوده‌اند، از جمله لت‌وکوب، شوک برقی، خفگی، آویزان‌کردن، و اجبار به نوشیدن آب به‌صورت اجباری. این گزارش دورهٔ ژانویه ۲۰۲۲ تا ژوئیه ۲۰۲۳ را در ۲۹ ولایت پوشش می‌دهد (خبرگزاری ایسنا، 16 حوت 1399)

همچنین، گزارش تحقیقی افغانستان اینترنشنال از ثبت ۳۱ نوع شکنجه فیزیکی و روانی در بازداشتگاه‌های طالبان خبر می‌دهد، از جمله تجاوز جنسی، بی‌خوابی اجباری، تهدید به آزار خانواده و استفاده از ابزارهای داغ. این اقدامات نقض صریح کنوانسیون منع شکنجه و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شوند.

## مبحث دوم

### منع شکنجه در اسناد بین‌المللی افغانستان

برخی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به این موضوع پرداخته‌اند عبارتند از:

اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948): ماده 5 این اعلامیه تصریح می‌کند که هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد.

کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه (1984): این کنوانسیون کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکنجه اتخاذ کنند و مرتکبان را تحت پیگرد قانونی قرار دهند.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی: این اسناد در زمینه حقوق بشردوستانه، شکنجه را در زمان جنگ ممنوع اعلام کرده‌اند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: شکنجه را به عنوان یک جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی تعریف کرده است.

در افغانستان، قانون اساسی این کشور شکنجه را ممنوع اعلام کرده و قوانین جزایی نیز به تبعیت از حقوق اسلامی، این ممنوعیت را تأیید کرده‌اند. با این حال، گزارش‌ها نشان می‌دهند که شکنجه همچنان در برخی نهادهای امنیتی و قضایی این کشور رخ می‌دهد.

(زارع، 1395، ص 120)

### کنوانسیون‌ها

افغانستان به چندین کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر پیوسته است که شامل موارد زیر می‌شود:

کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (CAT): این کنوانسیون در سال 1984 تصویب شد و کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکنجه اتخاذ کنند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR): ماده 7 این میثاق تصریح می‌کند که هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو: این اسناد در زمینه حقوق بشردوستانه، شکنجه را در زمان جنگ ممنوع اعلام کرده‌اند.

کنوانسیون حقوق کودک (CRC): این کنوانسیون نیز بر حمایت از کودکان در برابر شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی

### بررسی اسناد بین‌المللی

کنوانسیون ضد شکنجه یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر است که در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به اجرا درآمد. این کنوانسیون شامل ۳۳ ماده است و هدف آن ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز در سراسر جهان است.

برخی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با منع شکنجه عبارتند از:

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): ماده ۵ این اعلامیه تصریح می‌کند که هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی قرار گیرد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶): ماده ۷ این میثاق شکنجه و رفتارهای ظالمانه را ممنوع اعلام کرده است.

کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴): این کنوانسیون دولت‌ها را موظف می‌کند تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکنجه و مجازات عاملان آن انجام دهند.

اعلامیه حمایت از همه افراد در برابر شکنجه (۱۹۷۵): این اعلامیه بر حمایت از قربانیان شکنجه تأکید دارد و زمینه‌ساز تصویب کنوانسیون منع شکنجه شد.

این اسناد بین‌المللی نقش مهمی در حمایت از حقوق بشر و مبارزه با شکنجه دارند و بسیاری از کشورها به این کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند. با این حال، اجرای مؤثر این قوانین همچنان چالش‌هایی دارد و نیازمند نظارت و پیگیری مستمر است.

## مبحث سوم

### چالش‌های قوانین منع شکنجه و مشکلات اجرایی

اجرای قوانین منع شکنجه در افغانستان با چالش‌های متعددی مواجه است که شامل مشکلات اجرایی و ضعف‌های قانونی و گزارش موارد نقض ممنوعیت می‌شود.

#### الف - چالش‌های اجرایی

- 1 - عدم پیگیری قضایی:** گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهند که مرتکبان شکنجه در افغانستان اغلب مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار نمی‌گیرند.
- 2- نظارت ناکافی:** با وجود تصویب قوانین منع شکنجه، نظارت بر اجرای این قوانین در نهادهای امنیتی و قضایی ضعیف است.
- 3- نبود مکانیسم‌های حمایتی برای قربانیان:** قربانیان شکنجه در افغانستان به ندرت به عدالت دسترسی دارند و جبران خسارت برای آنان قانونی نشده است.
- 4- محدودیت‌های امنیتی:** شرایط امنیتی در افغانستان باعث شده است که نظارت بر مراکز امنیتی دشوار باشد و شکنجه همچنان در برخی بازداشتگاه‌ها رخ دهد.

#### ب - ضعف‌های قانونی

**1- عدم اجرای کامل کنوانسیون منع شکنجه:** افغانستان به کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه پیوسته است، اما اجرای مفاد این کنوانسیون در سطح ملی با چالش‌هایی روبه‌رو است.

**2- خالاهای قانونی:** برخی قوانین داخلی افغانستان در مورد منع شکنجه دارای ابهامات و ضعف‌هایی هستند که امکان سوءاستفاده را فراهم می‌کنند.

**3- عدم تدوین قوانین حمایتی:** در حالی که قانون منع شکنجه تصویب شده است، اما هنوز سازوکارهای اجرایی و حمایتی برای قربانیان شکنجه به طور کامل تدوین نشده‌اند

### ج - موارد نقض ممنوعیت شکنجه در افغانستان

برخی از مهم‌ترین موارد نقض و چالش‌های اجرایی عبارتند از:

**1- شکنجه در بازداشتگاه‌ها:** گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که زندانیان در محابس افغانستان، به‌ویژه در مراکز امنیتی، تحت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی قرار می‌گیرند.

**2- کشتار فراقانونی و بدرفتاری:** در برخی موارد، افراد بدون محاکمه قانونی مورد شکنجه و حتی اعدام قرار گرفته‌اند، که نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود.

**3- عدم پیگرد عاملان شکنجه:** بسیاری از مرتکبان شکنجه در افغانستان مورد پیگرد قضایی قرار نمی‌گیرند و حتی در سمت‌های دولتی باقی می‌مانند.

افزایش فشار دیپلماتیک: جامعه بین‌المللی باید از طریق فشارهای دیپلماتیک، افغانستان را به اجرای تعهدات حقوق بشری خود ملزم کند. اجرای مؤثر این قوانین نیازمند تعهد سیاسی، حمایت جامعه بین‌المللی و مشارکت نهادهای مدنی است.

## مبحث چهارم

### نتیجه گیری و پیشنهادات

#### نتیجه گیری

در سطح ملی، درحکومت دی فکتوی طالبان، فرامین امارتی و مبانی و منابع فقه حنفی مانند الهدایه، المبسوط و کتاب الاکراه و نیز در قوانین دولت - کشور (قطع نظر از حکومت قبلی و فعلی) مانند قانون اساسی افغانستان، قانون اجراءات جزایی و قانون منع شکنجه؛ به صراحت شکنجه را ممنوع اعلام کرده‌اند.

قانون اساسی افغانستان (ماده ۲۹) شکنجه را ممنوع اعلام کرده و کود جزا نیز مجازات‌هایی برای عاملان شکنجه تعیین کرده است.

در سطح بین‌المللی، کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد (۱۹۸۴) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) از مهم‌ترین اسنادی هستند که دولت‌ها را موظف به پیشگیری و مجازات شکنجه می‌کنند و فقه اسلامی در تمامی مذاهب اسلامی بویژه فقه حنفی مصادیق شکنجه انسان را ممنوع کرده است و اقرار ناشی از اجبار و اکراه و شکنجه ممنوع بوده و بی اثر تلقی می‌شود. با این حال، چالش‌های اجرایی مانند ضعف نظارت، عدم پیگرد عاملان شکنجه، و شرایط سیاسی و امنیتی افغانستان مانع اجرای مؤثر این قوانین شده‌اند.

### **پیشنهادات و راهکارها**

بررسی توصیه‌های حقوقی و اصلاحات لازم را در زمینه ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی و بین‌المللی افغانستان ارائه کنید

برای تقویت ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی و بین‌المللی افغانستان، چندین پیشنهاد و راهکار حقوقی قابل بررسی است:

### **الف - اصلاحات قانونی**

تقویت قوانین داخلی: بازنگری و اصلاح قوانین جزایی افغانستان برای افزایش ضمانت‌های اجرایی منع شکنجه.

ایجاد مکانیسم‌های نظارتی مستقل: تشکیل نهادهای مستقل برای نظارت بر عملکرد نیروهای امنیتی و قضایی در زمینه منع شکنجه.

اجرای کامل کنوانسیون منع شکنجه: افغانستان باید تعهدات خود را تحت کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل به طور کامل اجرا کند.

### **ب - راهکارهای اجرایی**

آموزش نیروهای امنیتی و قضایی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای آشنایی نیروهای امنیتی و قضایی با حقوق بشر و ممنوعیت شکنجه.

ایجاد سازوکارهای حمایتی برای قربانیان: تأمین حمایت‌های قانونی و روانی برای قربانیان شکنجه و فراهم کردن امکان جبران خسارت.

افزایش شفافیت و پاسخگویی: الزام نهادهای دولتی به ارائه گزارش‌های دوره‌ای درباره وضعیت شکنجه و اقدامات انجام‌شده برای مقابله با آن.

## ج - همکاری های بین المللی

تقویت همکاری با سازمان های حقوق بشری: همکاری نزدیکتر با سازمان های بین المللی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان.

استفاده از تجربیات سایر کشورها: بهره گیری از تجربیات موفق کشورهای که توانسته اند شکنجه را به طور مؤثر کاهش دهند.

برای مقابله با شکنجه، اصلاح قوانین، تقویت نظارت، آموزش نیروهای امنیتی و قضایی، و حمایت از قربانیان ضروری است. همچنین، همکاری با نهادهای بین المللی و سازمان های حقوق بشری می تواند به اجرای بهتر این قوانین کمک کند.

### منابع و مأخذ:

1 - حمیدی ، ثریا ، بررسی منع شکنجه در اسناد ملی، بین المللی و شریعت اسلامی پایان نامه ماستری ، پوهنتون سلام ، 1400 .

2 - کیت کلارک ، ساری کووو ، سابقه شکنجه در حکومت افغانستان زیر ذره بین سازمان ملل متحد، <https://www.afghanistan-analysts.org> ، ... ، 5 ثور 1396

<https://bing.com/search>

3 - مطهری ، سید علی ، منع شکنجه در اسناد بین الملل و حقوق جزای افغانستان ، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد (ماستری )، جامعه المصطفی العالمیه، سال دفاع ۱۳۹۴

<https://digilib.feghemoaser.com/persi>

4 - حیدری پور، مریم ،میرعباسی ، سیدباقر، ابومحمد ،عسکرخانی ، بررسی ضمانت های منع شکنجه در اسناد حقوق بین الملل بشر و مقایسه آن با قوانین و مقررات داخلی ، فصلنامه پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱، صفحات: ۱۵۷ تا ۱۸۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹

<https://8am.media/fa/%D8%B4%DA%A9%D9%86%D8%AC%D9%87-%D8%AF%D8%B1->

5- پوررضا ، مهدی ، بررسی ممنوعیت شکنجه و اقرار ناشی از آن در حقوق بین الملل ، فقه و حقوق جزا، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد میبد ، سال 1393

6- رضایی ، عصمت الله ، بررسی ممنوعیت شکنجه در حقوق بین الملل وفقه اسلام ،  
دوفصلنامه فقهی- معارفی، دوره 1 ، شماره 2 ، صفحات 41- 57 ، اسفند 1400

7- منابعی بیشتر

برای مطالعه بیشتر درباره ممنوعیت شکنجه در قوانین افغانستان، می‌توانید به منابع زیر  
مراجعه کنید:

سابقه شکنجه در حکومت افغانستان زیر ذره‌بین سازمان ملل متحد – این گزارش به  
بررسی پیشینه شکنجه در افغانستان و اقدامات سازمان ملل در این زمینه می‌پردازد.

منع شکنجه در اسناد بین‌الملل و حقوق جزای افغانستان – این تحقیق به تحلیل قوانین جزایی  
افغانستان و اسناد بین‌المللی مرتبط با ممنوعیت شکنجه پرداخته است.

قانون منع شکنجه و مقررہ تنظیم امور نظارت خانه – این سند شامل قوانین و مقررات  
مرتبط با منع شکنجه در افغانستان است.

8- قاسم‌زاده، محمد هادی. حقوق بشر و حمایت از آن در اسلام و حقوق بین‌الملل. تهران:  
سمت، چاپ دوم، 1394.

9- نوربها، عبدالحسین. حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین  
کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ یازدهم، 1390.

10- سرور دانش. حقوق اساسی افغانستان. کابل: وزارت تحصیلات عالی، چاپ دوم،  
1391.

11- خبرگزاری ایسنا، "گزارش سازمان ملل از شکنجه و بدرفتاری با زندانیان افغانستان"،  
چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۹ (معادل ۲۶ فوریه ۲۰۲۱)

12- زارع ، محمد هاشم ،حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی افغانستان  
انتشارات دانشگاه پیام نور : 1395

13- AP News:

[apnews.com/article/3a5baaa84b0c143494204c9d507793d6?utm\\_source](https://apnews.com/article/3a5baaa84b0c143494204c9d507793d6?utm_source)  
ce

14- Deutsche Welle: [www.dw.com/fa-af/%D9%85%D9%84%D9%84-%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF-%D8%A7%D8%B2-](http://www.dw.com/fa-af/%D9%85%D9%84%D9%84-%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF-%D8%A7%D8%B2-)

%D8%AB%D8%A8%D8%AA-  
%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-  
%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%AF-  
%D8%B4%DA%A9%D9%86%D8%AC%D9%87-%D8%AF%D8%B1-  
%D8%AA%D9%88%D9%82%DB%8C%D9%81%D8%AE%D8%A7%D9%86  
%D9%87%D9%87%D8%A7%DB%8C-  
%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86-  
%D8%AE%D8%A8%D8%B1-%D8%AF%D8%A7%D8%AF/a-  
66874910?utm

15- The United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA) and the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR) have published a report detailing the legal framework prohibiting torture and ill-treatment in Afghanistan, along with findings on its prevalence.

16 - The Open Society Foundations have documented concerns regarding torture, transfers, and denial of due process in Afghanistan. Their report highlights violations of detainees' rights and the absolute prohibition of torture under Afghan and international law.

17- Another UNAMA report discusses the persistence of torture and ill-treatment in Afghan government facilities, despite a slight reduction in allegations. You can read more here